

چطور چنین برداشت کردید؟

تابستان ۹۷ به مازندران سفر کردم. در آن سفر حجم زیاد زباله‌ها خیلی به چشمم آمد. بعد از آن هم سفری به مشهد داشتم. در مشهد دیدم با این‌که به نسبت شهر تمیزی است اما وسایل یک‌بار مصرف به مقدار زیادی، هم در رستوران‌ها و هم در صحن حرم استفاده می‌شود؛ مثلاً بهترین رستوران‌ها منوی کاغذی داشتند و در حرم هم قرقره‌های متعددی از کیسه‌های پلاستیکی برای نگهداری کفش‌ها وجود داشت. در همان روزها هم من همیشه لیوان در کیفم بود و از لیوان یک‌بار مصرف استفاده نمی‌کردم و شاید با همین پیش‌زمینه‌ها بود که وقتی بعد از مدت‌ها مشهد را دیدم، این حجم از ظروف یک‌بار مصرف برایم عجیب بود.

و این دغدغه‌ها برایتان ادامه داشت؟

همه این اتفاقات باعث شد که به اشتباه خودم پی ببرم و متوجه شوم که سلامت زمین از هر چیزی مهم‌تر است. در واقع آن روزها سلامت نان به عنوان قوت غالب برایم خیلی مهم بوده و در مازندران بود که متوجه شدم یکی از دلایل آرد نامرغوب، زمین‌هایی است که با آب‌هایی ترکیب شده از شیرابه زباله‌ها آبیاری می‌شود. همان موقع موضوع عدم تولید زباله برایم پررنگ شد. در واقع تصور من این بود که آب و خاک در مازندران تمیز است ولی دیدم که این‌طور نیست و شیرابه‌ها زمین را آلوده می‌کنند. یعنی من برای مدت‌های طولانی، با هدف سلامت از محصولات ارگانیک و طبیعی استفاده می‌کردم و حالا دیده بودم که این‌طور نیست.

یعنی از سلامت شخصی به یک تصمیم اجتماعی رسیدید؟

من از سلامت شخصی به محصولات ارگانیک و از محصولات ارگانیک به محیط‌زیست رسیدم. در واقع اشتباه می‌کنم که مطالبه‌گری‌ام روی کشاورزی سلامت است؛ در حالی که مطالبه‌گری من باید روی محیط‌زیست باشد. من اشتباه می‌کنم که سلامت را از طب و پزشکی انتظار دارم. اگر محیط‌زیست سالم باشد من سلامت خواهم بود. در چنین زنجیره‌ای، اگر محیط‌زیست سالم باشد، زمین به من محصول سالم می‌دهد. به این نتیجه رسیدم که خنده‌دار است که من به دنبال محصول ارگانیک هستم، بدون این‌که به این توجه کنم که آب‌ها و خاک‌ها چرا آلوده شده‌اند.

و همین‌ها برای تصمیم‌تان کافی بود؟

خیر؛ مدتی که از این مشاهدات من گذشت، موجی در کشور راه افتاد و پوشک، پد بهداشتی و دستمال کاغذی در فروشگاه‌ها کم شد. در برابر این اتفاق، رفتارهای عجیب و غریبی از مردم سر می‌زد. آنجا این سوال برایم به وجود آمد که چرا وابستگی به یک محصول باید آنقدر زیاد باشد که نبودنش آنقدر به مردم ضرر بزند.

آن روزها نمی‌خواستم تسلیم موقعیت بازار شوم و برای همین به دنبال راه‌حلی بودم که بتوانم این موضوع را برای خودم حل کنم. راستش خیلی جست‌وجو کردم و در خلل آن به واژه‌ای با نام

ZeroWaste به معنای پسماند صفر رسیدم و دیدم کسانی در دنیا هستند که زباله تولید نمی‌کنند و به محصولات سلولزی مثل همان دستمال کاغذی نیازی ندارند.

آنها شیشه‌ای در دستشان گرفته بودند و ادعا می‌کردند که این زباله یک سالشان است؛ و من از همان موقع تصمیم گرفتم که سبک زندگی پسماند صفر را دنبال کنم.

یعنی زندگی‌تان دچار چه تغییراتی شد؟

از همان موقع، فصل جدید زندگی من و صفحه‌ام در شبکه اجتماعی‌ام شروع شد. مثلاً از محصولات بهداشتی سلولزی، به سمت محصولات پارچه‌ای رفتم.

به سمت استفاده از محصولاتی که می‌شود آنها را شست و دوباره استفاده کرد. محصولاتی که بسته‌بندی ندارند و زباله‌ای تولید نمی‌شود. خوبی‌اش این بود که به خاطر دید محیط‌زیستی، به وضعیت مطلوب اقتصادی هم در این سبک زندگی می‌رسیم.

به راحتی توانستید خودتان را با سبک زندگی جدید تطبیق بدهید؟

من با ایده پسماند صفر، یعنی حرکت در جهت تولید زباله کمتر آشنا شدم و آن را با مدل ایرانی اجرا کردم. اما جالبی‌اش می‌دانید چه بود؟ این‌که متوجه شدم سبک زندگی پسماند صفر، فقط لایه رویی این حرکت است.

کاهش مصرف‌گرایی، ساده‌زیستی و نوعی رهایی‌شیرین از تاثیرات بسیار مشهود این نوع از سبک زندگی است و چقدر اتفاقات خوب در زندگی می‌افتد و چقدر صرفه اقتصادی برای خانواده دارد.

منظورتان از اتفاقات خوب چیست؟

نوعی از آرامش و تغییر مثبتی که وارد زندگی می‌شود. احساسی خوشایند از این‌که مصرف کاذب‌مان پایین آمده و وقتی مصرف انسان پایین بیاید، شادی‌هایش بالا می‌رود.

اشیا آدم‌ها را به خودشان وابسته می‌کنند و دست و پایمان را می‌بندند. در این دو سالی که من این نوع از سبک زندگی را در پیش گرفته‌ام، نوعی رهایی از همه وابستگی‌ها را در خودم احساس می‌کنم.

پیوستن به جنبش صفر یعنی واقعا هیچ زباله‌ای تولید نمی‌شود؟

مگر ممکن است؟

نه این‌طور نیست. ما هیچ وقت به صفر نمی‌رسیم و کسی هم در دنیا نیست که زباله‌هایش صفر باشد، اما افرادی که به این جنبش پیوسته‌اند، تمایل دارند به زباله صفر برسند. در واقع در این مسیر، عددی مشخص می‌کنیم که ماهانه می‌توانیم مثلاً به این اندازه پسماند غیرقابل بازیافت تولید کنیم، ما باید یک بازه زمانی را در نظر بگیریم و ببینیم پیش از این چقدر زباله تولید می‌کردیم و حالا چقدر تولید می‌کنیم و البته در ازای آن چه چیزی به دست می‌آوریم.

حالا و در نتیجه چنین سبک زندگی خاصی، شما چقدر زباله تولید می‌کنید؟

سرانه تولید زباله برای هر ایرانی، روزانه چیزی بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ گرم است

خیلی جست‌وجو کردم و در خلال آن، به واژه‌ای به نام ZeroWaste به معنای پسماند صفر رسیدم و دیدم که آدم‌هایی در دنیا هستند که زباله تولید نمی‌کنند و به محصولات سلولزی مثل همان دستمال کاغذی نیازی ندارند

66

اما من شخصا بین ۶ تا ۱۲ گرم زباله روزانه تولید می‌کنم.

چطور توانستید به این مقدار برسانید؟ زباله‌های

تری که هنگام پخت مواد غذایی تولید می‌شود را چکار

می‌کنید؟

یکی از روش‌های اصلی من در این راه، خشک کردن زباله است. من زباله‌های تری را که تولید می‌شود در چند سبد خشک می‌کنم و در نهایت چنین روشی، هم حجم زباله کم، هم پودر و هم تبدیل به مواد مغذی برای خاک یا خوراکی برای دام می‌شود. این‌طوری، انگار هیچ زباله‌ای تولید نشده است.

مثلاً وجود چنین سبدهای زیبایی محیط خانه را برهم نمی‌زند؟

اینها قوانینی است که ما برای خودمان گذاشته‌ایم. در واقع این عرف است که برخی قوانین را برای ما مشخص می‌کند. چه کسی گفته چه چیزی قشنگ و چه چیزی زشت است؟ این ما هستیم که می‌توانیم قوانین خودمان را داشته باشیم.

اما به نظر خیلی سخت می‌آید!

به هر حال سبک زندگی پسماند صفر هم مثل هر مکتبی، باید و نبایدهایی دارد که ممکن است آن را سخت کند اما وقتی در درونش قرار می‌گیری، احساس می‌کنی جزئی از زندگی‌ات شده است و به آن عادت کرده‌ای؛ آن وقت دیگر واقعا به نظر سخت نمی‌آیند.

همین‌طور که برای من واقعا سخت نیست. البته میزان سختی و آسانی‌اش به این بستگی دارد که چقدر تمرین کرده باشی؛ چقدر پرهیز کردن را بلد باشی، چقدر از مصرف‌گرایی خسته شده باشی و چقدر برای بهتر کردن وضعیت موجود انگیزه داشته باشی.

برخورد اطرافیان‌تان چطور است؟

در طول این مدت، دایره آدم‌هایی که به سمت تولید زباله کمتر حرکت می‌کنند آن‌قدر زیاد شده است که تقریباً همه آدم‌هایی که من با آنها معاشرت دارم، چنین سبکی دارند و در واقع با واکنش‌های عجیبی روبه‌رو نیستم.

امروز شاید از ۸۰ میلیون نفر، ما چیزی بین ۷۰ هزار نفر تا ۱۰۰ هزار نفر هستیم. در واقع این جریان، در این مقطع زمانی به خوبی جواب داد و مردم توانستند با آن ارتباط بگیرند.

اینجانب پایک ملکو تی طهرانی مالک یک دستگاه خودروی چک S3 مشکی، مدل ۹۷، به شماره پلاک ایران ۹۹-۲۳۵۴۰۲۳ به شماره شاسی NAKSG742xJB110446 و شماره موتور HFC4GB33Dj0009262 اعلام مقفودی برگ سبز خودرو و برگ نمایندگی شرکت کرمان موتور خود را می‌نمایم و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

میدان امام حسین
واقع در ضلع شمالی
جنب سینما تهران

سرقفلی ۳۰۰ متر تجاری
در ۲ طبقه ملک ۲۰۰ متر

معاوضه + پول نقد

محمد شاهی
۰۹۱۲۱۵۰۷۹۸۵
۰۹۳۵۷۶۱۱۶۵۴



از خانم حمداوی درباره نسبت خودشان و مردم عادی جهان هم پرسیدیم. این‌که آیا فکر نمی‌کنید رعایت کردن عده کمی از افراد جامعه برای عدم تولید زباله، شاید برای رسیدن به هدف شما کافی نباشد؟

طبیعتاً ما برای این‌که یک سلامت کامل داشته باشیم، نیاز به همراهی جمعی داریم و برای این همراهی باید به همدیگر آگاهی بدهیم. در واقع این یک حرکت خیلی بزرگی است که در تمام دنیا در حال شکل‌گیری است و به بسترسازی‌هایی نیاز دارد. در خیلی از کشورها، هدف دولتمردان در این جهت است که بسته‌بندی محصولات را کاهش بدهند. در واقع قرار است بودجه‌هایی در نظر گرفته شود که بسته‌بندی مثلاً صنایع غذایی کاهش پیدا کند یا این‌که بسته‌بندی‌ها از مواد بازیافتی باشند. ما چرا این است که شهروندان و مسؤولان باید به موازات هم پیش بروند تا در این مسیر موفق باشند. مثلاً همین حالا میان جمعیت اقلیت سبزگرای جامعه خودمان، کسب و کارهای خرد متعددی برای نیازها و مطالبه‌های افرادی که تصمیم به رسیدن به پسماند کمتر دارند راه افتاده است. این یعنی اگر مردم بخواهند، صنایع هم با آنها همراه می‌شود.